

# میلانے

عباس مخبر

## اسطورہ شناسی



## فهرست

۱	پیش‌گفتار
۷	بسترهای شکل‌گیری اسطوره
۲۱	اسطوره، افسانه، قصه‌ی پریان
۳۳	رویکردها و نظریه‌های اسطوره‌شناسی
۵۷	اسطوره‌شناسان نامی
۵۸	۱- زیگموند فروید
۷۴	۲- کارل گوستاو یونگ
۹۵	۳- میرچا الیاده
۱۱۰	۴- کلود لوی استروس
۱۲۸	۵- جوزف کمبل
۱۴۷	اسطوره، علم و دین
۱۷۷	اسطوره و هنر
۲۲۱	قهرمان در اسطوره
۲۵۹	اسطوره و دنیای معاصر
۲۸۷	منابع انگلیسی
۲۹۳	منابع فارسی
۲۹۵	برای مطالعه‌ی بیشتر
۲۹۷	نمایه

## پیش‌گفتار

ناقوس مرگ اسطوره از ۲۵۰۰ سال پیش تا کنون بارها به صدا درآمده است، اما هر بار اسطوره با نیرویی تازه و در هیئتی دیگر سر برآورده و بقای خود را استمرار بخشیده است؛ چرا؟ منتقدان اسطوره و کسانی که فقط بر کارکردهای نامطلوب آن در جهان معاصر انگشت می‌گذارند هنوز هم کم نیستند، اما تقریباً هیچ‌یک از آنها برای این سؤال پاسخی ندارند که چرا اسطوره‌ها در دنیای مدرن و پسامدرن کنونی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند و تولید و بازتولید می‌شوند. اگر اسطوره‌ها آن‌طور که شماری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند نوعی علم ابتدایی و یا نوعی دین ابتدایی‌اند، در دوران ما و پس از به کرسی نشستن علم و دین پیشرفته، راز ماندگاری و بقای آن‌ها چیست؟ اگر زمانی صرفاً جهان خارجی و مادی را برای انسان اولیه تبیین می‌کرده‌اند، با تسخیر این صحنه توسط علم دیگر چه ضرورتی ماندگاری آن‌ها را توجیه می‌کند؟ در این وردهای جادویی شمن‌وار چه چیزی لانه کرده است که هنوز گاه درونی‌ترین تارهای وجود ما را به صدا درمی‌آورند و ما را مسحور می‌کنند. آیا فقط توهمات شیرین و تسکین‌دهنده‌اند که، در دنیایی توفانی، آرامشی خوش و غیرمسئولانه را به ما هدیه می‌دهند؟ و یا سرنخ‌هایی هستند که ما را در جست‌وجوی معنای زندگی یاری می‌دهند و با ما از یک شب بلند طولانی که از نیاکان پیش از تاریخ‌مان تا به امروز تابش آورده‌ایم سخن می‌گویند؟ آیا اسطوره‌ها می‌توانند زمان را واژگون سازند یا به تعلیق درآورند، ما را به بهشت گم‌شده راهبر شوند و اشتیاق دردآلودمان به جاودانگی را تحقق بخشند؟ و یا چرندیاتی تکراری، موازی، مشابه و بی‌معنا هستند که نوعی ساختار ذهنی بنیادین را بازنمایی می‌کنند؛ ساختاری که تفسیر تحمل‌پذیرتری از تعارضات اساسی بشر را در دسترس مان می‌گذارد.

با توجه به رابطه‌ی تنگاتنگ و گسست‌ناپذیر هنر و اسطوره طی هزاره‌های گذشته، آیا هنر اسطوره را زنده و برپا نگاه داشته است؟ آیا آن‌طور که بعضی نام‌آوران عرصه‌های گوناگون علم از قبیل امیل دورکیم، کلود لوی استروس، کارل گوستاو یونگ و میرچا الیاده ادعا می‌کنند، اسطوره‌ها جزو پدیده‌های ذاتی ذهن بشراند. آیا نظر شماری از زیست‌شناسان در مورد ضرورت تکاملی دین در مورد اسطوره‌ها نیز مصداق دارد؟ آیا این نظریه‌ی متکی بر یافته‌های عصب‌شناختی که انسان ذاتاً موجودی قصه‌گوست می‌تواند پاسخی برای این پرسش باشد؟ آیا حق با اصحاب رویکرد روان‌کاوانه و روان‌شناختی نیست که، در قالب تفسیری نمادین، اسطوره‌ها را برکنار از دنیای بیرون و تحرکاتی در ذهن انسان تلقی می‌کنند؟ آیا در دوران پس‌اسرمایه‌داری اینترنت و دیجیتال، این داستان‌های کهن برجای مانده از نیاکان دوردست کارکردی دارند یا خیر و اگر پاسخ مثبت باشد، این کارکردها کدام‌اند؟ و سرانجام این که آیا در دنیای پرآشوب کنونی می‌توانند یاریگر ما در برخورد با مشکلات مان باشند؟

یکی از اولین جمله‌های من به دانشجویان کلاس‌های اسطوره‌شناسی این است که اگر درسی و بحثی همین امروز و در همین تاریخ و جغرافیا به دردتان نمی‌خورد، بهتر است آن را رها کنید و وقت‌تان را تلف نکنید. گفته‌ای افراطی و نه چندان درست که شاید به قول روان‌شناسان نوعی پدیده‌ی «افراط در جبران» باشد؛ افراط در جبران، از بابت کهنه‌نما بودن موضوع اسطوره. آنچه تا به این جا گفتم، شمایی از پرسش‌های دانشجویان اسطوره‌شناسی و رئوس پاسخ‌ها یا مدعیات اسطوره‌شناسان نامی است. مطالبی که قرار است در این کتاب از زوایا و دیدگاه‌های مختلف بررسی و تحلیل شوند.

اثر حاضر در هفت فصل تدوین شده است. فصل اول شامل مرور مختصری بر گذر انسان از هزاره‌های گذشته، پیدایش انسان نئاندرتال و جای‌گزینی انسان کرومانیون تا به امروز است. در این فصل تلاش انسان برای بقا، حیرت او در مواجهه با جهانی ناشناخته، برخورد او با مرگ و نخستین گورها به مثابه‌ی گاهواره‌ی اسطوره و دین و دانش به‌اختصار بررسی شده‌اند. این فصل با شکل‌گیری نخستین روایت‌های اسطوره‌ای به مدد قوه‌ی تخیل بی‌مانند انسان بسته می‌شود.

در فصل دوم، تفاوت‌های میان اسطوره، افسانه و قصه‌ی قومی بررسی شده‌اند.

تعریف بن‌مایه‌های مشترک و جهانی اسطوره و ذکر مثال‌هایی از آن‌ها محتوای مطالب باقی‌مانده‌ی این فصل را تشکیل می‌دهند.

فصل سوم به رویکردها و نظریه‌های اسطوره‌شناسی اختصاص دارد. مطالب این فصل با دلایل آغاز اسطوره‌شناسی علمی شروع شده و سپس رویکردهای گوناگون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اسطوره - آیین، تمثیل طبیعت و پدیده‌های طبیعی، پدیدارشناسی، ساختارگرایی، و سرانجام اسطوره‌شناسی تاریخی و تطبیقی بررسی شده‌اند.

فصل چهارم به بررسی آراء و اندیشه‌های شماری از بزرگان اسطوره‌شناسی در مورد اسطوره اختصاص یافته است. زیگموند فروید، کارل گوستاو یونگ، میرچا الیاده، کلود لوی استروس و جوزف کمبل اسطوره‌شناسانی هستند که آراءشان نسبتاً به تفصیل بررسی شده است. یقیناً جای بسیاری از اسطوره‌شناسان نامی، نظیر ژرژ دومزیل یا ارنست کاسیرر در این فهرست خالی است. اما علت انتخاب این چهره‌ها اثر گذاری و جریان‌سازی آن‌ها در حوزه‌ی اسطوره‌شناسی، هنر و ادبیات از یک‌سو و پرداختن آن‌ها به اسطوره و دنیای معاصر از سوی دیگر بوده است. وانگهی، در ظرفیت علمی محدود من و یک کتاب مبانی بالاخره باید دست به انتخاب زد و این انتخابی است که من در چارچوب برداشت‌ها و تصورات خودم از اسطوره انجام داده‌ام.

در فصل پنجم، رابطه‌ی اسطوره، علم و دین بررسی شده است؛ فصل بحث‌انگیزی که در هر کتاب یا کلاس اسطوره‌شناسی به‌دفعات مطرح می‌شود و ذهن دانشجویان و پژوهندگان اسطوره‌شناسی را به‌یکسان به خود مشغول می‌کند. در این فصل دیدگاه‌های ادوارد تیلور و جیمز فریزر، در مقایسه با رویکردهای روانکاوانه، و نیز دیدگاه‌های تک‌تک اسطوره‌شناسان نامی را به بحث گذاشته‌ام.

فصل ششم نیز ساختاری شبیه به فصل پنجم دارد. در این فصل، پس از مروری بر رابطه‌ی اسطوره و هنر، دیدگاه‌های اسطوره‌شناسان نامی درباره‌ی این رابطه بررسی شده است.

فصل هفتم به یکی از متداول‌ترین مباحث اسطوره، و پیکان نفوذ آن در هنر، ادبیات و سینما، یعنی سفر قهرمان اختصاص دارد. در این فصل الگوهای سفر قهرمان ارائه‌شده توسط لرد رگلان، اوتو رانک و جوزف کمبل را بررسی کرده‌ام.

الگوی رگلان منطبق بر رویکرد تایلور- فریزر، الگوی رانک مبتنی بر رویکرد فروید و الگوی کمبل هم‌راستا با رویکرد یونگ به اسطوره و قهرمان در اسطوره است. کتاب با مقایسه‌ی ویژگی‌های این سه الگو به پایان می‌رسد.

این کتاب حاصل سالیانی از عمر من است که صرف ترجمه، تحقیق، تأمل و تدریس اسطوره‌شناسی شده است. در این سال‌ها، در جریان مصاحبه‌های متعدد و در کلاس‌های درس و سخنرانی‌ها و کارگاه‌ها، همواره با این قبیل پرسش‌های مخاطبان روبه‌رو بوده‌ام. سعی کرده‌ام، به زبانی تا حد امکان ساده، مباحثی را که در حوزه‌ی مبانی اسطوره‌شناسی مطرح شده‌اند جمع‌بندی و عرضه کنم. یقیناً خواننده پاسخ همه‌ی پرسش‌های فوق را در این مختصر نخواهد یافت، چرا که این کار در حد بضاعت من و این کتاب نیست. اما، با توجه به نبود یک کتاب مناسب در زمینه‌ی مبانی اسطوره‌شناسی، امیدم این است که بتواند مدخلی برای تأمل و غور بیشتر در این حوزه‌ی به گمانم مهم معرفت بشر باشد. نمی‌توانم انکار کنم که پاسخ جوزف کمبل، اسطوره‌شناس نامدار آمریکایی، به بیل مویرز، در آغاز کتاب قدرت اسطوره، بهترین پاسخی است که در این مورد تا کنون شنیده‌ام. وقتی مویرز می‌پرسد چرا اسطوره‌ها؟ چرا باید نگران اسطوره‌ها باشیم؟ آن‌ها بر زندگی من چه تأثیری دارند؟ کمبل چنین پاسخی می‌دهد:

نخستین پاسخ من این است: راحت را ادامه بده، زندگی‌ات را بکن، زندگی خوبی است، تو به اسطوره نیازی نداری. من عقیده ندارم که باید به موضوعی علاقه‌مند بود صرفاً به این دلیل که گفته می‌شود موضوع مهمی است. من به نوعی گرفتار شدن در دام جذبه‌ی یک موضوع عقیده دارم، اما با یک معرفی درست خواهید دید که اسطوره شما را در کمند خود اسیر خواهد کرد بنابراین، باید دید که چنانچه شما را در کمند خود اسیر کند، چه کاری برایتان انجام خواهد داد. (کمبل، ۱۳۷۷: ۱۹)

آرزو مندم که این کتاب بتواند اسطوره و اسطوره‌شناسی را در حد یک کتاب مبانی جمع‌وجور به درستی معرفی کند و در همین چارچوب هم باید از آن انتظار داشت. امیدوارم این انتظار را برآورده کند و از این پس دانشجویان علاقه‌مند به اسطوره‌شناسی برای ورود به این بحث ناگزیر از خواندن کتاب‌های حجیم و متعدد

نباشند. نوشتن این کتاب را بیش از همه مدیون الهام‌بخشی‌های دکتر ملک مهرداد بهار، جوزف کمبل و دانشجویانی هستم که با پرسش‌های بی‌امان خود امانم را بریدند و وادارم کردند که بیشتر بخوانم و بیشتر غور کنم. دوستان و عزیزان، کامران معتمدی، سالور ملایری، فاطمه خان‌سالار، امین وکیل‌باشی، مزده و مهتاب مخبر، گلی شهیدی و مدیا محمودیان و دیگرانی که ممکن است نام‌شان از قلم افتاده باشد، از اقصی نقاط جهان بی‌دریغ منابع لازم برای انجام کار را به صورت چاپی یا الکترونیک در اختیارم گذاشتند که از همه‌ی آن‌ها ممنونم. واقعاً نمی‌دانم اگر در دوران دیجیتال نبودیم، چگونه می‌شد با این سهولت به این منابع گسترده دست یافت. و سرانجام باید از همسر من هما سعیدپور تشکر کنم که سراسر کتاب را چندبار خوانده و پیشنهادهای اصلاحی سودمندی داده است. این کتاب به همه‌ی این عزیزان تقدیم می‌شود. جا دارد از هیأت تحریریه نشر مرکز نیز سپاسگزاری کنم.

عباس مخبر

تیرماه ۱۳۹۵

گفتار و اندیشه‌اش به تندی باد  
و منش و هوشی در ساختن قوانین و شهرها.  
این همه را به خود آموخته است  
و پناه جستن از خدنگ جان‌سوز سرما  
و پناه جستن از شلاق بی‌امان باران را  
خانه‌ای ساده زیر آسمان پاک و سرد بنا می‌کند  
انسان چابک، انسان چاره‌ساز  
هرگز از چاره‌گری نمی‌ماند  
و آن‌گاه که روی به آینده می‌نهد، هیچ تنگنایی راه بر او نمی‌بندد  
تنها مرگ، آری، مرگ است که انسان را از آن رهایی نیست  
اما چه بسیار مهلکه‌های تاب‌سوز که پشت سر نهاده است.

### سوفکل: آنتیگنه

بحث درباره‌ی منشأ و خاستگاه اسطوره یکی از مجادلات همیشگی و بی‌سرانجام اسطوره‌شناسان است. اسطوره همزاد زبان، فرهنگ و هنر است. انسان حیوانی نمادین است و نماد نشانه‌ای است که یک فکر، عاطفه، آرزو یا هویت اجتماعی را نمایندگی می‌کند. نشانه‌ای قراردادی است که اعضای یک جامعه‌ی انسانی در مورد آن توافق کرده‌اند. اسطوره، دین، علم، هنر، سیاست، تاریخ و فلسفه همگی نظام‌هایی نمادین‌اند که بر نمونه‌ی اعلا‌ی نظام نمادین، یعنی زبان، استوارند. در آن افق‌های دوردست پیشاتاریخ، انسان درباره‌ی خودش و جایگاهش در این جهان چگونه می‌اندیشده است؟ نخستین پرسش‌هایی که با خود طرح کرده چه بوده‌اند؟ این پرسش‌ها ماهیتی فلسفی داشته‌اند یا اقتصادی بوده‌اند و صرفاً به بقای او در



گرداب جهانی ناشناخته مربوط می‌شده‌اند؟ و یا هر دو؟ انسان چگونه خود را از مرزهای دنیای حیوانی و طبیعت جدا کرده است؟ در کجا می‌توان خط و مرز فرهنگ و طبیعت را ترسیم کرد؟ این روایت‌های رنگارنگ و شگفت‌درباره‌ی ارواح، خدایان، آسمان و زمین و جهان‌دیگر چگونه پدید آمده‌اند و پاسخگوی کدام ضرورت وجودی انسان بوده‌اند؟ کدام ترس‌ها، رویاها و آرزوها انسان واقعاً تهی‌دست گذشته‌های دور را شاعر و قصه‌گو کرده است؟

روشن است که در آغاز کتاب قصد ندارم پاسخی در برابر این پرسش‌های دیرسال و گاه بی‌پاسخ بگذارم. اما پیش از آن‌که به جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌ها و معنای اسطوره‌ها برآییم، بی‌مناسبت نیست که بدانیم اسطوره‌ها در چه بستری ساخته شده‌اند. بینیم انسان از دو میلیون سال پیش در کدام شرایط زیستی با این مسائل رویاروی شده و چگونه با دشواری توان فرسا، گام‌به‌گام از ظلمات جهان پیرامون خود سر برآورده است. چگونه به یاری دست‌ان‌مان، قوه‌ی تخیل بی‌مانندمان، قصه‌هایی که در هم بافته‌ایم، و شعرهایی که سروده‌ایم این شب بلند طولانی را تاب آورده و به امروز رسیده‌ایم.

هومو هابیلیس<sup>۱</sup> یا «انسان ابزارساز» نامی است که دو پژوهشگر انگلیسی به نام خانم و آقای لیکلی به نخستین انسان نوع ما داده‌اند. بقایای این انسان نخستین در آلدووی تانزانیا پیدا شده و حدود ۱/۸ میلیون سال قدمت دارد. جالب است بدانیم که یکی از نخستین ابزارهای ساخته‌ی دست انسان که توسط لیکلی‌ها پیدا شده نیز مربوط به حدود ۱/۸ میلیون سال پیش است. نوعی ساطور سنگی ابتدایی که به عنوان یکی از یکصد شیء سازنده‌ی تاریخ جهان در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود.

این سنگ در دره‌ی آلدووی واقع در تانزانیا در افریقا پیدا شده و در یک سمت آن سه تراش و در سمت دیگر پنج تراش خورده است. حدود دومیلیون سال پیش، که انسان بر سر تصاحب لاشه‌ی حیوانات قادر به رقابت با جانوران وحشی نبود، این سنگ به انسان کمک می‌کرد تا استخوان‌های قلم حیوانات شکارشده توسط جانوران دیگر را بشکند و مغز استخوان را بخورد. به این ترتیب، تغذیه‌ی لازم و کافی مغز باعث شد که مغز انسان تکامل پیدا کند.

1. *homo habilis*

ناقوس مرگ اسطوره از ۲۵۰۰ سال پیش تا کنون بارها به صدا درآمده است، اما هر بار اسطوره با نیرویی تازه و در هیئتی دیگر سربرآورده و بقای خود را استمرار بخشیده است؛ چرا؟ منتقدان اسطوره و کسانی که فقط بر کارکردهای نامطلوب آن در جهان معاصر انگشت می‌گذارند هنوز هم کم نیستند، اما تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها برای این سؤال پاسخی ندارند که چرا اسطوره‌ها در دنیای مدرن و پسامدرن کنونی هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهند و تولید و بازتولید می‌شوند. اگر اسطوره‌ها آن‌طور که شماری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند نوعی علم ابتدایی و یا نوعی دین ابتدایی‌اند، در دوران ما و پس از به گرسی نشستن علم و دین پیشرفته، راز ماندگاری و بقای آن‌ها چیست؟ آیا فقط توهماتی شیرین و تسکین‌دهنده‌اند که در دنیایی توفانی، آرامشی خوش و غیرمسئولانه را به ما هدیه می‌دهند؟ یا سرنخ‌هایی هستند که ما را در جست‌وجوی معنای زندگی یاری می‌دهند و با ما از یک شب بلند طولانی سخن می‌گویند که از نیاکان پیش از تاریخمان تا به امروز تاب‌باز آورده‌ایم؟ اسطوره یا علم، عقل، هنر، دین و عاطفه چه نسبتی دارد؟ قهرمانان اسطوره‌ای کیستند و شباهت حیرت‌انگیز آن‌ها از کجا ناشی می‌شود؟ و سرانجام، اسطوره در دنیای معاصر چه جایگاهی دارد؟

#### از ترجمه‌های عباس مخبر با نشر مرکز

- اسطوره‌های موازی ج. ف. بیرلین  
 قدرت اسطوره جوزف کمبل  
 تاریخ مختصر اسطوره کارن آرمسترانگ  
 جهان اسطوره‌ها (جلد ۱) لوسیلا برن ...  
 جهان اسطوره‌ها (جلد ۲) هنریتا مک‌کال ...



ISBN: 978-964-213-342-0



9 789642 133420

۲۹۵۰۰ تومان

